

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

بحث در صوري بود که مرحوم آخوند(قدس سره) به عنوان مقام ثبوت بیان کرده بودند که قبل از اینکه وارد مقام اثبات شویم، ببینیم که ثبوتاً مأموریه اضطراری چه ارتباطی با مأموریه واقعی از نظر ملاک و مصلحت دارد؟

ایشان فرموده: مأموریه اضطراری یا تمام ملاک مأموریه واقعی را دارد، لذا هم مسئله‌ی اجزاء در کار است و هم از نظر بدار و عدم بدار اگر تمام ملاک را مطلقاً داشته باشد، یعنی ولو اینکه اضطرار در یک زمان کوتاهی هم باشد، در اینجا بدار جایز است، اما اگر تمام ملاک را در صورتی داشته باشد که در تمام وقت اضطرار وجود داشته باشد، در این صورت بدار جایز نیست.

صورت دوم این بود که مأموریه اضطراری واقعی به تمام غرض نیست، بلکه واقعی به بعض ملاک و مصلحت است و بقیه هم قابل استیفاء نیست که گفتیم: ولو بقیه هم قابل استیفاء نباشد، باز مسئله‌ی اجزاء در کار است.

صورت سوم این بود که بقیه‌ی ملاک قابل استیفاء هست، اما استیفایش مستحب است که در اینجا هم مسئله اجزاء و هم مسئله استحباب اعاده مطرح بود.

صورت چهارم که فرض مهم بحث همین است این بود که مأموریه اضطراری واقعی به تمام ملاک مأموریه واقعی نیست و آن مقداری که باقی می‌ماند، مقداری هست که قابلیت استیفاء را دارد و استیفایش هم لازم است، که مرحوم آخوند(ره)(در کتاب کفایه) فرموده: در این صورت که بقیه ملاک قابل استیفاء هست و استیفایش هم لازم است، حکم به عدم اجزاء می‌کنیم و اگر مأموریه اضطراری را آوردیم، این مأموریه اضطراری مجزی از آن مأموریه واقعی نیست.

اما از نظر بدار و عدم بدار مسئله‌ی تخییر را مطرح کرده و فرموده: مخیرید بین اینکه اصلاً عمل اضطراری را نیاورید و بعد از رفع اضطرار عمل اختیاری را بیاورید و یا اینکه دو عمل انجام دهید، یعنی اول عمل اضطراری را انجام داده و بعد از اینکه اضطرار رفع شد، عمل اختیاری را انجام دهید.

پس در این فرض که عمل اضطراری واقعی به تمام ملاک عمل اختیاری نیست و بقیه ملاک هم قابل جبران و تدارک هست و تدارکش هم واجب است، نظر آخوند(ره) بر عدم اجزاء است و از نظر بدار و عدم بدار مسئله تخییر است.

در این فرض دو مطلب مهم را در کلمات هست که باید بررسی کنیم؛ یکی فرمایش مرحوم آقای خوئی (قدس سره) (محاضرات ج2، ص 232) است و دوم فرمایش استاد ایشان مرحوم محقق اصفهانی (ره) (در کتاب نه‌ایه الدرایه) است.

اما مطلب اول اینکه مرحوم آقای خوئی (ره) فرموده: این فرضی که آخوند (ره) بیان کرده و جزء یکی از صور معقول ثبوتی قرار داده اشکال دارد و چند اشکال به مرحوم آخوند (ره) وارد کرده‌اند، ولو اینکه کلماتشان خیلی در اینجا انسجام کافی و وافی ندارد.

ایشان فرموده: ظاهر عبارت مرحوم آخوند (ره) این است که در مسئله‌ی بدار تخییر بین اقل و اکثر استدلالی را قائل شده‌اند، یعنی اینکه مکلف در این فرض اصلاً عمل را انجام ندهد و بعد از رفع اضطرار عمل اختیاری را انجام دهد، یعنی بعد از اینکه آب گیرش آمد، نماز با وضو بخواند، این عمل اختیاری تنها اقل می‌شود و از آن طرف می‌تواند در اول وقت نماز اضطراری یعنی نماز با تیمم را بخواند و بعد از رفع اضطرار نماز با وضو را هم بخواند، که این دو اکثر می‌شود و آخوند (ره) هم فرموده: این شخص مخیر بین اقل و اکثر است.

حال مرحوم آقای خوئی (ره) در اشکال بر مرحوم آخوند (ره) فرموده: تخییر بین اقل و اکثر در اینجا محال است و این تخییر بین اقل و اکثر فقهی نمی‌شود. شما وقتی این عمل اضطراری را انجام می‌دهید، آیا عمل اضطراری مصداق مأموریه هست یا نه؟ اگر مصداق مأموریه باشد، باید وافی به غرض باشد و اگر مصداق مأمور به نیست، پس عنوان واجب را ندارد.

لازمه فرمایش آخوند (ره) این است که اگر عمل اضطراری را انجام داد، مصداق واجب و مأموریه می‌شود، اما اگر عمل اضطراری را انجام نداد، از عنوان واجب خارج باشد و این چگونه معقول است که اختیار واجب بودن و واجب نبودن به دست خود مکلف باشد؟

آخوند (ره) فرموده: این شخص مخیر است بین اقل، یعنی عمل اضطراری را انجام ندهد و بعد از رفع اضطرار عمل اختیاری تام را انجام دهد، که در این صورت عمل اضطراری را انجام نداده و معنایش این است که عنوان واجب را ندارد و بین اکثر، یعنی می‌تواند در اول وقت عمل اضطراری را انجام دهد و نماز با تیمم بخواند و بعد از رفع اضطرار نماز با وضو هم بخواند، که معنایش این است که نماز با تیمم مصداقیت برای واجب دارد، برای اینکه اگر مصداق واجب نباشد لغو است.

بعد در آخر فرمایششان فرموده‌اند: اصلاً جمع بین این دو، جمع بین متناقضین است، که از یک طرف نظر داده‌اید که در این صورت اجزاء در کار نیست و از طرف دیگر گفته‌اید: در مسئله‌ی بدار مخیر است که مبادرت هم بکند و نماز اضطراری را انجام دهد، لذا جمع بین عدم اجزاء و مسئله‌ی جواز بدار، جمع بین متناقضین است.

از یک طرف فرموده‌اید: مجزی نیست، یعنی اگر اول وقت نماز با تیمم خواند، این به درد نمی‌خورد و باید بعد از رفع اضطرار نماز با وضو بخواند که این معنای عدم اجزاء است و از طرف دیگر گفته‌اید که: بدار جایز است، یعنی آوردن عمل اضطراری جایز است، یعنی این باید به درد بخور و مجزی باشد، لذا جمع بین عدم اجزاء و مسئله‌ی بدار، جمع بین متناقضین است.

بعد در آخر فرموده‌اند: به نظر ما در این فرض، یعنی در فرضی که عمل اضطراری وافی به تمام ملاک نیست و استیفاء بقیه ملاک امکان دارد و استیفایش هم لازم است، باید قائل به عدم اجزاء شویم و بگوییم که: بدار هم واقعاً جایز نیست و مکلف باید صبر کند تا رفع اضطرار شود و آن وقت عمل اختیاری را انجام دهد.

در اینجا در مقابل فرمایش مرحوم آقای خوئی(ره) چند مطلب می‌توان بیان کرد؛ یک مطلب این است که اولاً مرحوم آخوند(ره) در عبارتشان تصریح نکرده‌اند به اینکه این تخییر، تخییر بین اقل و اکثر استقلالی است و در عبارت کفایه آمده «غایة الأمر یتخیر فی الصورة الأولى بین البدار و الإتیان بعملین العمل الاضطرابی فی هذا الحال و العمل الاختیاری بعد رفع الاضطراب أو الانتظار و الاقتصار بإتیان ما هو تکلیف المختار»، یعنی بین اینکه صبر کند و فقط عمل اختیاری را انجام دهد و یا اینکه بدار کرده و عمل اضطرابی را انجام دهد و بعد هم عمل اختیاری را انجام دهد مخیر است.

اما در عبارت کفایه اسمی از اقل و اکثر استدلالی برده نشده و شاید علت این تفسیری که مرحوم آقای خوئی(ره) برای عبارت آخوند(ره) بیان کرده، بیانی باشد که مرحوم محقق اصفهانی(ره)(در حاشیه کفایه) دارد که این «تخییر» آخوند(ره) را از باب تخییر بین اقل و اکثر استقلالی دانسته و مرحوم آقای خوئی(ره) هم از ایشان گرفته‌اند.

حال باید ببینیم که آیا واقعاً مراد مرحوم آخوند(ره) از این تخییر، تخییر بین اقل و اکثر است، تا بگویید که: تخییر بین اقل و اکثر معقول نیست یا نه؟ البته این فصل خیلی مفصل و مهمی است که آیا اصلاً تخییر بین اقل و اکثر معقول است یا نه؟

در این کلمه تخییر در عبارت مرحوم آخوند(ره) احتمال دیگری داده می‌شود که نتیجه‌ی آن تخییر بین متابین است و نه تخییر بین اقل و اکثر.

عبارت آخوند(ره) این است که اگر عمل اضطرابی انجام نگرفت و فقط عمل اختیاری انجام شد، نتیجه‌اش این می‌شود که این فرض عمل اختیاری به شرط لا است، یعنی اگر عمل اضطرابی را انجام ندادید. به عبارت دیگر عمل اختیاری به شرط اینکه عمل اضطرابی سابق بر او انجام نشده باشد، که به این عمل اختیاری به شرط لا می‌گویند.

حال اگر عمل اضطرابی را انجام داده و بعد هم عمل اختیاری را انجام داد، در این فرض عمل اختیاری به شرط شیء می‌شود، یعنی در صورت دوم عمل اختیاری به شرط این است که قبلاً عمل اضطرابی آورده شده باشد.

به عبارت دیگر مرحوم آخوند(ره) خواسته بفرماید که: در اینجا عمل اختیاری به دو شکل می‌تواند انجام شود؛ یک صورتش این است که اصلاً عمل اضطرابی را انجام ندهیم و تنها عمل اختیاری تام الماک را انجام دهیم، چون همه ملاک‌ها در همین عمل اختیاری وجود دارد، اما راه دیگر این است که عمل اضطرابی را انجام داده و عمل اختیاری را هم انجام دهیم، اما این عمل اضطرابی نقض محض نیست، بلکه با عمل اضطرابی مقداری از مصلحت را انجام داده و استیفاء کردیم و عمل اختیاری را برای تکمیل ملاک انجام می‌دهیم، مثلاً با عمل اضطرابی 70 درصد ملاک را به دست آورده و 30 درصد باقی مانده را با عمل اختیاری تکمیل می‌کنیم.

پس در جایی که مکلف اول وقت عمل اضطرابی را آورده و بعد هم عمل اختیاری را می‌آورد، دیگر نمی‌گوییم: تمام الماک در عمل اختیاری وجود دارد، بلکه می‌گوییم: یک مقدار از این ملاک در عمل اضطرابی بوده و یک مقدارش هم در عمل اختیاری هست.

لذا اصلاً مسئله تخییر بین اقل و اکثر نیست، زیرا در تخییر بین اقل و اکثر، اقل تمام ملاک اکثر را دارد، مثل اینکه بگوییم: در رکعت سوم و چهارم مخیرید بین اینکه یک تسبیح را بخوانید یا سه تسبیح، که کسانی که تخییر بین اقل و اکثر را قائل‌اند می‌گویند که: اقل تمام ملاک اکثر را دارد، نه اینکه بعض ملاک را داشته باشد، اما در مقابل دیگران به آنها اشکال کرده‌اند که اگر اقل تمام ملاک را دارد، وقتی که اقل را آوردید چه نیازی به آوردن اکثر است؟

ما مي خواهيم اين را عرض كنيم كه در عبارت آخوند(ره) كلمه ي «يتخير» آمده و مرحوم اصفهاني(ره) آن را به أقل و اكثر تفسير کرده و همين تفسير مرحوم آقاي خوئي(ره) را به اشتباه انداخته و اين تفسير را مسلم گرفته و بر طبق آن به مرحوم آخوند(ره) اشكال کرده است.

اما مي خواهيم عرض كنيم كه اصلاً مراد مرحوم آخوند(ره) از «يتخير»، تخيير بين أقل و اكثر نيست، بلكه طبق بياني كه عرض كرديم آخوند(ره) فرموده: مخيريد كه تنها عمل اختياري را انجام دهيد، يعني نماز با وضو به شرط عدم سبق عمل اضطراري، كه به شرط لا مي شود و يا عمل اختياري به شرط شيء انجام دهيد، يعني عمل اختياري را به شرط سبق عمل اضطراري انجام دهيد و اگر از هر اصولي سؤال كنيد كه تخيير بين به شرط لا و به شرط شيء چه تخيير است؟ مي گويند: تخيير بين متباينين است و نه تخيير بين أقل و اكثر.

بله اگر مراد مرحوم آخوند(ره) از اختياري اول لا به شرط باشد، يعني بگويد كه: عمل اختياري را انجام بده، چه اضطراري را انجام داده باشي يا نه، كه بين لا به شرط و بين به شرط شيء أقل و اكثر مي شود.

أقل و اكثر در يك تسبيح و سه تسبيح است، كه سه تسبيح اكثر است كه در واقع اكثر همان أقل به شرط شيء است و أقل هم عنوان لا به شرط را دارد.

تخيير بين لا به شرط و به شرط شيء، تخيير بين أقل و اكثر است، اما بياني كه عرض كرديم، مسئله را به تخيير بين به شرط لا و به شرط شيء رسانديم كه تخيير بين متباينين است و لذا نتيجه مي گيريم كه اصلاً اصل فرمايش مرحوم آخوند(ره) اين است كه خواسته بفرمايد: اگر مكلف فقط عمل اختياري را انجام داد، صد در صد ملاك در خود عمل اختياري وجود دارد، اما اگر مكلف اول وقت عمل اضطراري را انجام دهد و بعد عمل اختياري را انجام دهد، در اين صورت باز صد در صد ملاك در اختياري نيست، بلكه در اينجا كه دو عمل را آورده، ملاك تفكيك مي شود و مقداري از آن در ضمن عمل اضطراري آورده شده و مقدار ديگر هم در ضمن عمل اختياري تحصيل مي شود.

اگر آخوند(ره) بگويد كه: وقتي عمل اضطراري را انجام داديد و بعد عمل اختياري را انجام دهيد، عمل اضطراري لغو محض است و اين اشكالات مرحوم آقاي خوئي(ره) وارد است، براي اينكه لازمه اش اين است كه اگر عمل اضطراري را آورديم، واجب بشود و اگر هم نياورديم، از مصداق واجب خارج شود و اشكال دومشان هم وارد خواهد بود كه جمع بين عدم اجزاء و بين بدار، جمع بين متناقضين است، اما طبق اين بياني كه عرض كرديم، اصلاً هيچ كدام از اين اشكالات مطرح نمي شود.

مرحوم اصفهاني(ره) با اينكه تصريح کرده به اينكه اين تخيير بين أقل و اكثر است، اما وقتي كه حرف دوم و سوم و چهارم فرمايش ايشان را مي خوانيم، از آن عبارات بعد مي توانيم اين را استفاده كنيم كه تخيير بين به شرط لا و به شرط شيء است كه تخيير بين متباينين مي شود.

اختلاف مبنايي در تخيير بين أقل و اكثر

مطلب دوم مطلب مبنايي است، كه ان شاء الله در جاي خودش مي رسيم كه مرحوم آخوند(ره) تخيير بين أقل و اكثر استقلالي را قائل هست، اما آقاي خوئي(ره) و يك عده اي از اعلام و بزرگان تخيير بين أقل و اكثر را قائل نيستند.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) آخوند(ره) خواسته اين را بگويد كه: اگر نماز با وضو خوانديد، فقط صد در صد ملاك در همين وجود دارد، اما اگر قبلش نماز با تيمم خوانديد، آن نماز با تيمم 70 درصد ملاك را آورده و بعد كه نماز با وضو مي خوانيد، 30

درصد بقیه تکمیل می‌شود. مثل اینکه در باب کفاره بگوئید که: مخیرید بین 60 روز روزه و یا اطعام 60 مسکین که این معنایش این است که اگر هر کدام را آوردید، وافی به تمام غرض است، حال اگر بگوئیم که: جای اطعام ستین دو عمل می‌آید و جای ملاک آن را می‌گیرد و یا 5 عمل با هم جای ملاک آن را می‌گیرد که اینجا هم همین طور است که می‌خواهد بگوید که: اختیاری و اضطراری با هم تمام ملاک را استیفاء می‌کند.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) مثل این می‌ماند که بگوئید: نماز قبل از وقت ملاک ندارد و تا وقتش شد صد در صد ملاک واقع می‌شود، که در اینجا هم این گونه است که اگر فقط نماز اختیاری را در آخر وقت خواندید، صد در صد ملاک دارد، اما اگر قبلش اضطراری را در اول وقت آوردید، مقداری از ملاک را استیفاء کرده و یک مقدارش هم با نماز اختیاری استیفاء می‌شود، یعنی این اختیاری با آن اختیاری فرق می‌کند.

مرحوم آخوند(ره) خواسته بگوید: این دو با هم فرق دارد، مثل نماز قبل از وقت و بعد از وقت، چطور در آنجا تصویر می‌کنید که بین سبق و عدم سبق عمل از نظر ملاک فرق است و در ملاک عمل تأثیر می‌گذارد، در ما نحن فیه هم نماز اختیاری که قبلش اضطراری آورده نشده، خودش همه ملاکات را استیفاء می‌کند، اما نماز اختیاری که قبلش اضطراری آورده شده، همه ملاک را استیفاء نمی‌کند.

اینها چیزهایی نیست که تکوینی باشد و بگوئیم که: این عمل تکوینی هر زمانی که آوردید، باید تمام ملاک را داشته باشد. حال این فرمایش مرحوم آقای خوئی(ره) و جواب از آن و فرمایش مرحوم اصفهانی(ره) را ملاحظه کنید.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين